

## شیوه پیکار ما ...

تیرگی شد کار ما ، شب شد همه روزگار ما  
کو چراغی تا کند روشن ، شهر و دیار ما  
آفتاب را کشته اند ، با تیغ استبداد و ظلم  
مهتاب کوچ کرده است از شب های تار ما  
مشعل رخشان کجاست تا راه رویم در پرتوش  
از کی جوییم عظمت مُلک ، افتخار و کار ما  
از چه شد بی مرگ خاموش نعره شیران رزم  
در کجای شب غنودند ، جان نثاران یار ما  
شیرزن های رزمجو ، شیفتگان نام و ننگ  
چه شدند تا گرم سازند ، آتش پیکار ما  
ظلم و بیداد تا نهایت مرگ میبارد کنون  
نیست پیدا غرش رعد ، برق آتشبار ما  
دره های میهن ما همچون دُرج یمگان  
کرده خالی دزدان ، از گوهر شاهوار ما  
تکیه برمسند زده در هر کناری ، رهزنی  
میفروشند کوه و دشت ، قعله و حصار ما  
بند بند پیکر ما زخمی شد ، از دست ظلم  
از کی جوییم مرحمت ، کی میکند تیمار ما  
خون میبارد ز چشم ما برایت ای وطن !  
کی کند پاک عاقبت این دیده اشکبار ما  
گور یاران میکند فریاد ، شما ای عاشقان !  
ره بسپارید ، به راه رفته ای کارزار ما  
جرقه جرقه میشود آتش بیا ( ناتور ) تا  
کاخ استعمار سوزد ، شیوه پیکار ما ....